

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته‌ی پژوهش هنر

عنوان:

بررسی و تحلیل نمادهای مونس‌العشاق سهروردی

استاد راهنما:

دکتر مریم حسینی

استاد مشاور:

دکتر ابوالقاسم دادور

دانشجو:

بیتا ابراهیمی

اسفند ۸۸

تقدیم به پدرم، مادرم و

عزیز

چکیده:

سهروردی بنیان‌گذار حکمت اشراق و یکی از حکیم - عارفانی است که آفریننده‌ی زیباترین داستان‌های رمزی، برای بیان حقایقی است که در نامه‌های خداوندی مخزون است و در سخنان حکیمان پیشین مکنون مانده است.

"مونس‌العشاق" یکی از قابل‌تأمل‌ترین رسایل رمزی سهروردی است. شیخ اشراق در این روایت، حدیث عشق را با استفاده از داستان قرآنی حضرت یوسف به تصویر می‌کشد. این داستان با ارایه تاویلی نمادین از داستان جدایی یوسف از کنعان، سفر او به مصر، عشق زلیخا به یوسف و در نهایت به تخت نشستن یوسف؛ بیان می‌کند که عشق تنها راه عروج انسان است و اگر انسان با قربانی کردن گاو نفس، آمادگی پذیرش عشق را داشته باشد و اگر عشق انسان را قابل‌بداند و در جان او رخنه کند، آنگاه لیاقت حضور در برابر پیر و قدم گذاشتن در مسیر عروج و دستیابی به جاودانگی با غسل در چشمه‌ی زندگانی را خواهد داشت.

"مونس‌العشاق" یکی از رسایلی است که به زیبایی یکی شدن عرفان و هنر را تصویر می‌کند. عارف - هنرمند شیفته که برای بیان ادراکات خود، جز از زبان هنر، از زبان دیگری مدد نمی‌یابد، اثری هنری آفریده است تا رموز عرفانی را در آن توصیف کند. این رساله با رمزهاست که به بیان می‌آید و شیخ اشراق، برای بیان آن چه که به فهم و درک در نمی‌آید، از نمادهایی بهره می‌برد که نماینده‌ی مفاهیم و تجارب عرفانی، الهی و فلسفی هستند.

بررسی نمادها در داستان "مونس‌العشاق" موضوع این رساله است. این نمادها هر کدام نماینده‌ی اشیاء، موجودات، اشخاص و عناصری مربوط به حیطه‌ها و عوالمی ورای عالم مادی هستند و بر تجارب و ادراک‌های روحانی دلالت دارند. نمادهایی که خود یکی از حلقه‌های پیوند هنر و عرفان به حساب می‌آیند.

هر کدام از آن‌ها در تاریخ زندگی بشر قدمتی بس کهن دارند و زنجیره‌ای نامرئی آن‌ها را به گونه‌ای ظریف به هم پیوند می‌دهد.

در هر تمدن باستانی، در ادیان، آیین‌ها، اساطیر و غیره تنها چیزی که بدون تغییر منتقل شده، همانا تأویل نمادین اشیاء و واقعیات است.

این گونه است که رابطه‌ی انسان با جهان ماورای این عالم برای درک و رسیدن به حقیقت همواره از مفاهیمی مشترک برخوردار بوده است.

واژه‌های کلیدی: سهروردی، مونس‌العشاق؛ نماد، عرفان، هنر.

پیشگفتار

بررسی نمادهای *مونس/العشاق* سهروردی، رساله‌ای است که با هدف ارزیابی نمادها و کهن‌الگوهای به کار رفته در این رساله و ارتباط و همانندی معانی این نمادها و کهن‌الگوها با موارد مشابه جهانی انجام شده است.

در این رساله، ضمن بررسی مفهوم نماد و ارتباط میان هنر و عرفان که نشان می‌دهد چگونه آثار مکتوب عرفانی، در مجموعه‌ی آثار ادبی - هنری ایران قرار می‌گیرند؛ شرح مختصری از زندگی، آثار و تفکرات سهروردی ارائه شده است تا راه برای ارزیابی و بررسی رساله‌ی *مونس/العشاق* هموار شود.

ارزیابی صورت‌های ازلی و نمادهای رساله و یافتن معادل‌های موجود در فرهنگ ایران باستان، فرهنگ دینی (اسلامی و مسیحی) و فرهنگ جهانی، از همانندی مفاهیم نمادین در این اثر عرفانی و در گستره‌ی جهانی خبر می‌دهد.

کاستی منابع موجود - به ویژه منابعی مدون و علمی - در زمینه‌ی نمادپردازی در آثار هنری - ادبی ایران، یکی از مشکلات مشهود در زمان نگارش این رساله بود که در عین حال انگیزه‌ی تلاش برای ارائه و تدوین نمادهای این آثار را تقویت می‌کرد.

بی شک این رساله بدون زحمات فراوان استاد گرانقدر، سرکار خانم دکتر حسینی، که بی دریغ گنجینه‌ی دانش و توانمندی علمی خود را در طول سال‌های تحصیل و در طول نگارش این متن در اختیار اینجانب گذاشت، به پایان نمی‌رسید. همچنین کمک‌های جناب آقای دکتر دادور، که با حوصله و دقت متن را بررسی کرده و نکات ارزشمندی را به من گوشزد کردند، در تدوین آن بسیار مهم و موثر بود. از هر دو این اساتید گرانقدر تشکر و قدردانی می‌کنم.

همچنین تواضع و امتنان خود را در برابر تمامی اساتیدی که در طول این سه سال ما را از فیض وجود، دانش و معرفت خود بهره‌مند ساخته‌اند، اعلام می‌دارم.

اسفند ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و هشت

دانشگاه الزهرا (س)

۱	مقدمه
فصل اول: الف: بازشناسی نماد	
۶	معانی لغوی و اصطلاحی نماد
۸	تعریف نماد
۱۱	ویژگی‌های نماد
۱۵	انواع نماد
۱۷	کاربرد نماد
۲۰	ماهیت دنیای نمادین
۲۳	کنش نمادپردازی و بینش انسان نمادپرداز
۲۴	کهن‌الگوها
ب: هنر و عرفان	
۲۸	هنر
۳۱	نمادپردازی در هنر
۳۳	هنر سنتی، هنر مقدس، هنر اسلامی
۴۰	عرفان
۴۳	نمادپردازی در آثار عارفان
۴۸	اشتراک و افتراق عرفان و هنر - شهود و خیال
فصل دوم: سهروردی و حکمت اشراق	
۵۵	شرح احوال و زندگی شیخ شهاب‌الدین سهروردی
۶۱	آثار شیخ شهاب‌الدین سهروردی
۶۲	منابع اندیشه سهروردی

۶۴ حکمت اشراق و مبانی آن
۶۸ بررسی حکمت سهروردی بر اساس حکمت اشراق
۷۰ نمادپردازی در آثار سهروردی
۷۲ بینش رمزپردازانه‌ی سهروردی در داستان <i>مونس‌العشاق</i>

فصل سوم: متن و شرح رساله

۷۵ متن رساله
۸۸ نمادپردازی و کهن‌الگوها در رساله‌ی <i>مونس‌العشاق</i>

فصل چهارم: کهن‌الگوها

۱۰۵ آرزومندی
۱۰۶ آفرینش
۱۰۸ اندوه مفارقت
۱۰۹ دیدار با پیر
۱۱۱ سفر
۱۱۲ صبر کردن
۱۱۳ عاشق شدن
۱۱۶ غسل کردن
۱۱۷ فنا و بقا
۱۱۹ قربانی کردن

فصل پنجم: طبقه بندی نمادها

نمادهای عناصر طبیعت

۱۲۳ آب
-----	----------

۱۲۵ آتش
۱۲۹ باد
۱۳۰ بیابان
۱۳۰ چشمه
۱۳۱ خاک
۱۳۲ درخت
۱۳۴ روز و شب

نمادهای کیهانی

۱۳۵ آسمان
۱۳۶ خورشید
۱۳۹ جهان اصغر - جهان اکبر
۱۴۱ زمین

نمادهای اعداد

۱۴۲ سه
۱۴۴ چهار
۱۴۵ پنج
۱۴۶ شش
۱۴۷ هفت
۱۴۸ نه
۱۴۹ چهل

نمادهای اشخاص

۱۵۰ آدم
۱۵۱ باغبان
۱۵۲ پدر (پیر)
۱۵۶ سلیمان
۱۵۶ زلیخا
۱۵۷ یعقوب
۱۵۸ یوسف

نمادهای اجسام

۱۶۰ تاج
۱۶۱ تخت
۱۶۱ خرقه
۱۶۲ شاخ
۱۶۳ گوهر
۱۶۴ نردبان

نمادهای مکان

۱۶۵ صومعه
-----	-------------

نمادهای جغرافیایی

۱۶۶ کنعان
۱۶۶ مصر
۱۶۷ ناکجاآباد

نمادهای جانوران

۱۶۸ شیر

۱۶۹ گاو

۱۷۱ گراز

نماد رنگ

۱۷۲ زرد

۱۷۵ نتیجه گیری

۱۸۳ فهرست منابع

مقدمه

موضوع این رساله، بررسی و تحلیل متن رساله‌ی *مونس‌العشاق* شیخ شهاب‌الدین سهروردی است. هدف از این بررسی، ارزیابی نمادها و کهن‌الگوهای استفاده شده در این اثر و مقایسه‌ی آن با نمادهای جهانی و عرفانی است.

دغدغه‌ی ذهنی در نگارش این رساله پیوندهایی بود که در نمادگرایی میان هنر جهانی و هنر ایرانی و بالاخص میان نمادهای جهانی و نمادهای مورد استفاده در ادبیات عرفانی وجود دارند. تحلیل و بررسی منابع سرشار ادبی و هنری ایران تلاشی است در راه غنی‌تر ساختن گنجینه‌ی فرهنگی هنرمندان ایرانی؛ و ارزیابی نمادهای ادبیات عرفانی؛ که سهم عمده‌ای از توشه‌ی فرهنگی این کشور را به خود اختصاص می‌دهند، به شناخت و بهره‌گیری از پیشینه‌ی ادبی و هنری ایران کمک می‌کنند. به همین منظور، رساله *مونس‌العشاق* سهروردی که نمونه‌ای کاملاً نمادین از ادبیات عرفانی است، انتخاب و نمادهای آن استخراج و بررسی شدند.

پرسش‌های زیر برای این بررسی مطرح شدند:

- ۱ - انواع نمادهای به کار رفته در *مونس‌العشاق* کدامند؟
- ۲ - ارتباط و همبستگی هنر و عرفان تا چه حد است؟
- ۳ - چه نمادهای رساله کدام است؟
- ۴ - کهن‌الگوهای به کار رفته در رساله‌ی *مونس‌العشاق* کدام است؟
- ۵ - با توجه به اینکه فلسفه شیخ اشراق فلسفه‌ای تطبیقی بین ادیان و تفکرات فلسفی پیش و پس از اسلام است، چه ارتباطی میان نمادهای این مجموعه و نمادهای ادیان باستانی ایران، نمادهای اسلامی و نمادهای جهانی وجود دارد؟

و با توجه به پرسش‌های مطرح شده، فرضیه‌های زیر در این رساله مورد بررسی قرار گرفتند:

نماد نشانه‌ای از جهان ملموس است که به چیزی از جهان ناملموس یا مفهوم و معنایی غیر از مفهوم مستقیم و متعارف خود اشاره می‌کند. نمادها، بسیار جامع‌اند و در سطوح مختلف زندگی و تفکر بشری خود را نشان می‌دهند و همین امر موجب شده که نمادشناسان تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از نمادها ارائه کنند. به نظر می‌رسد که در رساله‌ی سهروردی، نمادهای متفاوت و متنوعی استفاده شده‌اند که از نمادهای جانوری و عناصر بشری، تا نمادها و کهن‌الگوهای عرفانی را در بر می‌گیرد.

به نظر می‌آید که اساس عرفان و هنر را تلاش انسان برای یافتن حقیقت شکل می‌دهد. جستجوگری انسان در این دو ساحت و ارتباط آن دو با مفاهیم معنوی و ماورای ماده؛ باعث می‌شود که عنصر خیال و شهود در هر دو زمینه، نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند. عارف و هنرمند هر دو برای کشف حقایق تلاش می‌کنند، در این مسیر عارف رهرو است و سکوت می‌کند و هنرمند گوینده است و گاه‌گاهی برای به تصویر کشیدن حقایق درنگ می‌کند.

در مونس‌العشاق که رساله‌ای عرفانی و رمزآمیز است مجموعه‌ای از نمادهای اسلامی، ایرانی و جهانی استفاده شده‌اند. که از آن جمله می‌توان به نمادهای عرفانی چشمه، پیر، معشوق و کهن‌الگوهای ولادت مجدد و دیدار با پیر خردمند، سفر، آرزومندی و ... اشاره کرد.

بسیاری از این کهن‌الگوها، ریشه‌هایی عمیق در عرفان ایرانی دارند که می‌توان با مراجعه به متون عرفانی، تکرار و تداوم آن‌ها را در ادبیات عرفانی بررسی کرد.

حکمت اشراقی، تا حد زیادی متأثر از تفکرات ادیان پیش از اسلام (به ویژه اندیشه‌های زرتشتی) و تفکرات فلسفی پس از اسلام است. بررسی تطبیقی تک تک نمادهای مونس‌العشاق از دید سهروردی و سپس از دیدگاه‌های اسلامی و ادیان باستانی و دیدگاه جهانی، وجوه مشترک نمادهای این اثر و نمادها از دیدگاه‌های مذکور را مشخص می‌سازد.

تعریف نماد و ویژگی‌ها و کاربرد آن در حوزه مفاهیم بشری در فصل ابتدایی این رساله بررسی شده‌اند. همچنین کهن‌الگوها، به عنوان صورت‌های دیرینه و اساس نمادپردازی در این فصل تعریف شده‌اند.

در فصل بعدی ضمن ارایه تعاریفی مختصر از عرفان و هنر، وجوه اشتراک و افتراق این دو حوزه ارزیابی شده‌اند تا بتوان دریافت که چه مشابهت‌هایی، زبانی مشترک را برای این دو حوزه فراهم کرده است و چرا بسیاری از متون عرفانی، در حوزه‌های نوشته‌های ادبی و هنری جای می‌گیرند. و چگونه است که زمانی که انسان در پی ارایه مفاهیمی عالی‌تر از مفاهیم مادی و در تلاش برای دستیابی به ساحت‌های معنوی و روحانی است، هنری نمادین و ادبیاتی سمبلیک زاده می‌شود.

نکته‌ی دیگری که می‌بایست در نمادپردازی اثر سهروردی به آن توجه شود، این بود که سهروردی کیست؟ چگونه می‌زیسته؟ چگونه می‌اندیشیده و چگونه اندیشه‌هایش را به بیان می‌آورده است؟ شناخت بینش سهروردی در مقام بنیان‌گذار فلسفه‌ی اشراقی و بینش رمزپردازانه او در نگارش آثارش در فصل سوم این رساله بررسی شده‌اند.

در فصل چهارم، پس از ارایه متن رساله‌ی *مونس‌العشاق* یا *فی حقیقه‌العشق*؛ شرحی کلی از داستان رساله، دیدگاه سهروردی و نحوه‌ی استفاده‌ی او از کهن‌الگوها و نمادهای اثر ارایه شده است.

مفاهیمی که به صورت کهن‌الگوها در رساله‌ی *مونس‌العشاق* نمود یافته‌اند نیز در فصل پنجم بررسی شده‌اند. این مفاهیم همان صورت‌های ازلی هستند که در ناخودآگاه جمعی بشر از دوران باستان تا کنون بر جای بوده، و چون خوابی مشترک است که در رویای تمامی انسان‌ها دیده می‌شود.

در نهایت، در فصل ششم، نمادهای استخراج شده بر اساس تقسیم‌بندی جیمز هال؛ در کتاب «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب» به چند گروه تقسیم شده‌اند. در این تقسیم‌بندی، نمادها بر حسب ارتباطی که از جهت فرم یا محتوا میان آن‌ها برقرار است، در مجموعه‌ای خاص قرار گرفته‌اند.

در تعریف هر یک از نمادها، ابتدا نماد از منظر سهروردی شرح داده می‌شود و سپس نماد در فرهنگ دینی (مسیحیت و اسلام) و در نهایت در گستره‌ی جهانی بررسی می‌شود. در این سیر تنها وجوه اشتراک در نظر گرفته شده‌اند.

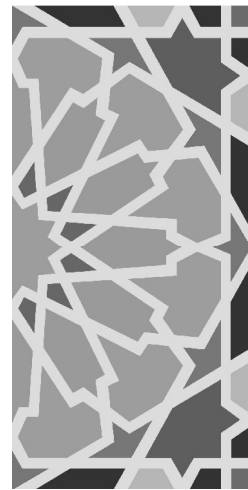
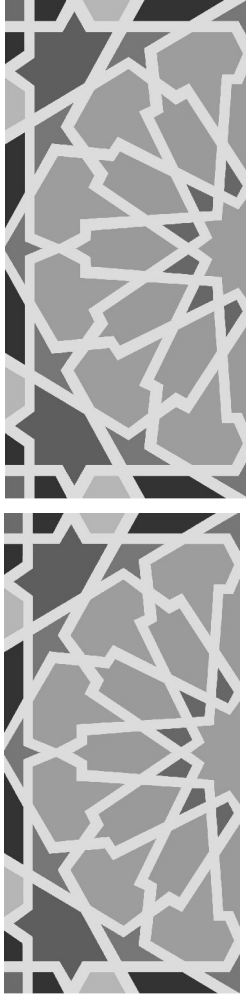
نتیجه‌گیری، مشرح خلاصه‌ای از نتایج این بررسی را ارایه می‌دهد.

از ابتدای قرن حاضر تا به حال تلاش گسترده‌ای برای شناخت ستارگان درخشان عالم هنر ایران آغاز شده و فعالیت‌های فراوانی برای معرفی، گردآوری یا تشریح و تحلیل این هنرمندان صورت گرفته است. در این میان بسیاری از اساتید دست به تصحیح و توشیح آثار سهروردی، بنیانگذار مکتب اشراقی زدند و تلاش کردند تا جلوه‌هایی از تفکر این متفکر بزرگ را بر خوانندگان آشکار کند. اما تعداد آثاری که از دید نمادپردازی نوشته‌های شیخ اشراق را بررسی کرده‌اند، چندان زیاد نیست.

مهم‌ترین اثر در این زمینه رمز و داستان‌های رمزی در *ادب فارسی* نوشته دکتر تقی پورنامداریان است که ضمن ارایه مفاهیم رمز و تشریح معانی و کاربردهای آن، مجموعه‌ای از رمزها در داستان‌های سهروردی و ابن سینا را بررسی کرده است. از جمله دیگر آثار در این زمینه می‌توان به شرح *قصه غریت غریبه* نوشته پرویز عباسی داکانی و زبان حال در عرفان و ادب فارسی نوشته نصرالله پورجوادی اشاره کرد که در اغلب آن‌ها نمادهای مشترک در مجموعه آثار شیخ بررسی شده‌اند. در میان منابع موجود، تنها موردی که به بررسی نمادهای یکی از آثار

سهروردی بر مبنای نمادهای جهانی پرداخته بود، رساله خانم جوادی از فارغ التحصیلان رشته ادبیات دانشگاه الزهرا است که با عنوان بررسی نمادهای عرفانی در قصه غربت غربیه سهروردی ارزیابی دقیق و جامعی از نمادهای یکی از رسالات سهروردی ارائه کرده است.

هدف این است که در این پژوهش با استفاده از منابعی در زمینه‌ی نماد و اسطوره (مانند فرهنگ‌نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب اثر جیمز هال، فرهنگ نمادها اثر شوالیه، دانشنامه‌ی اساطیر اثر وارنر و ...) و منابع موجود درباره رمزشناسی عرفانی (مدخلی بر رمزشناسی عرفانی نوشته‌ی جلال ستاری، فرهنگ نمادها و نشانه‌ها در اندیشه‌ی مولانا نوشته‌ی علی تاج دینی و...) نمادهای داستان مونس‌العشاق سهروردی در گستره‌ای جهانی بررسی شود.



فصل اول: کلیات تحقیق

الف: بازشناسی نماد

معانی لغوی و اصطلاحی نماد

نماد در فارسی به معنی نمود و نمودن است و نمودن همواره نمایش چیزی است از معنی به کمک ظاهر.

در فرهنگ سخن نماد در لغت به معنی «نشان یا علامتی با معنای خاص؛ سمبل - نشانه‌ای نوشتاری یا چاپی که برای بیان هدف یا منظوری خاص به کار می‌رود و شکل یا حرفی که نشان دهنده‌ی یک مفهوم ریاضی است» تعریف شده است. (انوری، ۱۳۸۱: ۷۹۶۲)

«سمبل {نماد} این گونه معنا شده است: نشان، علامت، رمز، اشاره، رقم، نشانی، نمونه، کیش، عقیده، اعتقادنامه، نشانه‌ی خویشاوندی یا همبستگی و غیره، پند، مثل، گفته‌ی اخلاقی، کنایه و نمایش به وسیله‌ی علائم رمزی.» (کرمانی، ۱۳۶۸: ۳۱)

آنچه در فارسی با عنوان نماد (یا کلمات مترادفی مانند رمز، سمبل ...) معرفی می‌شود در حقیقت ترجمه‌ی واژه‌ی غربی Symbol است. «Symbol (Symbolum) به لاتینی و Sumbolon به یونانی) در اصل به معنای علامت هویت و شناسایی بود، یعنی به شیئی دو نیمه شده اطلاق می‌شد که دو تن به نشانه‌ی پیوند یا پذیرایی یا میهمانداری با خود داشتند تا دارنده‌ی هر نیمه، چون به دارنده‌ی نیمه دیگر رسید، وی را برادر با خود برابر شمرده، بیگانه نداند. فعل sumballein نیز که sumboblon از آن مشتق شده، به معنی به هم پیوستن و اتصال است، مثلاً اتصال چند جویبار، یا هر گونه عملی که عناصر پراکنده را گرد آورده به هم می‌پیوندند و در نتیجه عناصر و بخش‌های به هم پیوسته با هم مناسبات متقابل پیدا می‌کنند.» (ستاری، ۱۳۷۲: ۲۰)

به این ترتیب می‌توان نماد را نشانه‌ای دور افتاده از چیزی وابسته دانست که از آشنایی و شناسایی خبر می‌دهد. «در میان یونانیان عهد باستان هم، سومبولوس علامت شناسایی بود، و از طریق آن پدر و مادرها فرزندان سرراه گذاشته‌ی خود را پیدا می‌کردند... سمبل وقتی دو نیمه می‌شد و دو تکه‌ی آن دوباره جمع می‌آمد و واحد می‌شد، نشانه‌ی دو مفهوم جدایی و وصال بود، یادآور جمعی تجزیه شده بود، که ممکن بود تجمع دوباره شکل بگیرد. هر سمبل یک تکه‌ی شکسته داشت. بنابراین، مفهوم سمبل هم شکستگی و شقاق است و هم چفت و بست دو تکه‌ی شکسته.» (شوالیه، ۱۳۷۸: ۵-۳۴)

در ادبیات نماد و نمادگرایی، واژه‌های مترادف فراوانی به جای کلمه‌ی نماد به کار رفته‌اند که عموماً منظور از آن‌ها معنای یکسانی است. نویسندگان یا مترجمان بنا به تشخیص و سلیقه‌ی خود کلماتی مانند سمبل، نشانه یا رمز را به عنوان ترجمه یا در مفهوم کلمه‌ی نماد به کار برده‌اند. این امر موجب شده است که در جای جای متن حاضر؛ بنا به انتخاب نویسندگان و مترجمان منابع مختلف، کلمات سمبل و رمز (با همان معنایی که برای نماد ارایه خواهد شد) ذکر شوند. بالاخص استفاده از کلمه‌ی رمز در میان پیشینیان ادب فارسی، موجب شده است که بسیاری از محققان ادبیات فارسی از این کلمه در معنای نماد استفاده کنند.

«رمز کلمه‌ای است عربی که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود. معنی آن به لب یا به چشم و یا به ابرو یا به دهن یا به دست یا به زبان اشارت کردن است. این کلمه، همچنان که در زبان عربی، در زبان فارسی نیز به معانی گوناگونی به کار رفته است. از جمله: اشاره، راز، سرّ، ایما، دقیقه، نکته، معما، نشانه، علامت، اشارت کردن پنهان، نشانه‌ی مخصوصی که از آن مطلبی درک شود،

چیزی میان دو یا چند کس که دیگری بر آن آگاه نباشد، و بیان مقصود با نشانه‌ها و علائم قراردادی و معهود.^۱ (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۱)

شبهت این تعریف؛ با تعاریفی که درباره‌ی نماد ارایه خواهد شد؛ نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی که برای نماد در نظر گرفته می‌شود، درباره‌ی رمز نیز صادق است و آنچه در هنر و ادبیات فارسی از آن به عنوان رمز یاد شده است، با نماد برابر است.

تعریف نماد

نماد در مفهومی وسیع، به عنوان معادلی برای هر نوع علامت به کار رفته است. نماد می‌تواند هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی باشد که بر معنی و مفهومی ورای آنچه ظاهر آن می‌نماید، دلالت کند. چنین تعریفی حیطه‌ای گسترده را در اختیار می‌گذارد که در آن هر گونه نشانه و علامتی در مجموعه‌ی نماد قرار می‌گیرد، از جمله علامت‌های مورد استفاده در علوم؛ علائم راهنمایی، حروف، حرکات نمادین در رقص‌ها و آیین‌های مذهبی، ... یا به عبارتی دیگر همه‌ی مفاهیم ذیل در چنین تعریفی جای می‌گیرند:

۱- چیزی که نماینده‌ی چیز دیگری است یا به چیز دیگری اشاره دارد.

۲- یک علامت اختیاری یا قراردادی برای نمایاندن اعمال، کمیت‌ها، فواصل، ظرفیت، جهت، عناصر، نسبت‌ها، کیفیت‌ها، صداها یا موضوعات.

۳- واحد معینی از بیان که یک فکر انتزاعی را بنماید و به عنوان یک واحد قابل مطالعه باشد.

۴- یک علامت قراردادی و غیر طبیعی که معنی آن موکول به تفسیر است.

۵- یک شیء یا عمل که عقده‌ای سرکوفته را به واسطه‌ی تداعی ناآگاه می‌نماید.

۶- یک عمل، صوت یا شیء مادی که واجد مفهوم فرهنگی است و استعداد برانگیختن یا تجسم مادی دادن به یک احساس را داراست.^۲ (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۶)

دامنه‌ی گسترده و متنوع چنین مفهومی، ارایه‌ی تعریفی جامع و مانع را برای نماد مشکل می‌سازد و تفسیری گسترده از آن حاصل می‌شود که به ویژه در اختلاف نظر صاحب نظران مشهود است. «مثلاً آگدن و ریچاردز^۱ سمبل‌ها را علائمی می‌دانند که انسان‌ها برای ارتباط با یکدیگر به کار می‌برند. در حالی که چارلز. س. پیرس^۲ سمبل‌ها را بر اساس طبیعت قراردادی

^۱ - Ogden & Richards

^۲ - Charles s. Pierce

ارتباطی که میان نشانه و چیزی که نشانه نماینده آن است، تعریف می‌کند. چنان که میلر^۱ نیز بر همین نظر است. اما موریس^۲ که در موارد متعدد دقیقاً از پیرس پیروی می‌کند، می‌گوید که سمبل نشانه‌ای است که به منزله‌ی جانشین نشانه‌ی دیگر که با آن مترادف است، عمل می‌کند و عقیده دارد که نشانه‌ها همه سمبل نیستند، علامت هستند.» (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۵)

اما امروزه زمانی که از نماد سخن به میان می‌آید، معنا و مفهومی از آن مد نظر است که در هنر، ادبیات، روان‌شناسی و رشته‌های مرتبط استفاده می‌شود. در واقع تأمل دانشمندان در پدیده‌های بشری مانند اساطیر، آیین‌ها، مذاهب، رویاها و ظرفیت کلمه‌ی نماد برای نشان دادن تجربه‌هایی بشر در این حیطه‌های معنوی، موجب شده که این کلمه معنای خاص و تعریفی مشخص‌تر بیاید. در این تعریف سه خصلت خاص برای نماد در نظر گرفته شده است:

«۱ - جنبه‌ی عینی (محسوس و تصویری) دال^۳

۲ - مطلوبیت آن، بدین معنی که بهترین و رساترین چیز برای تذکار و القاء معنی و دلالت بر مدلول باشد.

۳ - ابهام آن، چون مدلول چیزی است که ادراک و فهم و دیدن و تصورش، مستقیماً به طور کامل، ناممکن یا دست کم، سخت دشوار است.» (ستاری، ۱۳۷۲: ۲۳)

با این تعریف نماد بهترین کلیدی است که برای شناخت و درک غیرمستقیم پدیده‌ای انتزاعی و غالباً ناخودآگاه ارایه می‌شود. یک نماد معنای دقیقی را ارایه نمی‌کند و تنها اشاره‌ای به مفهومی معنوی دارد که چون از حیطه‌ی تجربیات جهان مادی بشر بیرون است، برای بیان آن چاره‌ای جز تقلیل آن به نمادی این جهانی وجود ندارد. در این تعریف، همانگونه که لالاند^۳ گفته: «نماد نشانه‌ای عینی است که به وسایل طبیعی، (مآخوذ از سراسر طبیعت) چیزی غایب یا غیرقابل مشاهده را مجسم می‌کند.» (دلاشوا؛ ۱۳۸۶: ۹)

این تعریف خاص؛ نماد را مفهومی مرتبط با روان و ناخودآگاه انسان و پیوسته با جهان معنوی تفسیر می‌کند و ویژگی‌های خاصی برای آن قائل می‌شود و با وجود اینکه تمثیل و قیاس و مشابهت میان دو پدیده را به نمایش می‌گذارد، بیانگر رابطه‌ای مستقیم و آشکار بین این دو نیست. نماد در این تعریف هم نشان‌گر و هم پنهان‌کننده است. «نماد بسی بیش از یک علامت ساده است؛ نماد در ورای معنی جای دارد، و تفسیری مختص به خود دارد، که لازمه این تفسیر

۱ - Miller

۲ - Morris

۳ - Lalande